

بجشی

در

شناسائی کشورهای منطقه افریقای شرقی از نظر
اقتصادی و اجتماعی

از

گروه تحقیق مسائل اقتصادی بین الملل و مرکز مطالعات عالی بین المللی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دکتر اسدالله نصر اصفهانی

سرپرست تحقیق :

کیوان معصومی

محققان :

ابوالقاسم دبیریان تهرانی

محمد منشی زاده تهرانی

خسرو زندیفر

علی اکبر شبیری نژاد

محمود نیلروشان

یادداشت :

گزارشی که از نظر می‌گذرد ، گزارش گروه تحقیق اقتصاد بین‌الملل مرکز مطالعات عالی بین‌المللی در دانشگاه تهران است که کار تحقیق آن از نیمه دوم سال ۱۳۴۸ آغاز گردیده و در نیمه اول سال جاری نتیجه آن آماده انتشار شد. هدف از این بررسی شناسایی عمومی کشورهای منطقه آفریقای شرقی از نظر اقتصادی و اجتماعی است ، چنانکه بتواند راهنمایی جهت شناخت امکانات توسعه روابط اقتصادی ایران با کشورهای این منطقه در آینده باشد .

در این تحقیق نخست امکانات طبیعی منطقه نمایان شده ، آنگاه چگونگی موقعیت سیاسی و اجتماعی آن مشخص شده و در پایان تصویری از چگونگی ساختمان اقتصادی منطقه باعطف توجه به مبادلات بین ایران، کشورهای منطقه ترسیم گردیده است.

مقدمه

در این بررسی، منظور از افریقای شرقی تقاطعی است که در گذشته تحت الحمايه انگلستان بوده و بعد از استقلال بصورت چهار کشور کنیا، اوگاندا، تانگانیکا و زنگبار درآمده است.

درباره‌ای از تقسیم بندیهای جغرافیایی کشورهای سومالی، موزامبیک، رواندا و اروندی را نیز جزئی از افریقای شرقی آورده‌اند، اما در این بررسی بعلت - نخست گذشته استعماری مشرک و دیگر، رویه مرسوم، تنها چهار کشور یاد شده فوق بعنوان افریقای شرقی در نظر گرفته خواهد شد.

وسعت این منطقه حدود ۱۶۸۳۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۹۶۹ نزدیک به ۳۳ میلیون نفر است. با این توضیح، منطقه مورد نظر با وسعتی نزدیک به ۷ درصد مجموع سرزمین افریقا، حدود ۱۰ درصد جمعیت آن را دربر گرفته است. افریقائیان ۹۸/۵ درصد جمعیت منطقه را تشکیل میدهند. زبان اکثریت مردم افریقای شرقی زبان سواحیلی (Swahili) و مذهب معمول، اسلام میباشد.

بخش بزرگی از منطقه افریقای شرقی را فلاتی تشکیل داده است که حدود ۹۰۰ تا ۱۳۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و دشتهای ساحلی آنرا احاطه کرده است. بزرگترین ارتفاعات - این منطقه کوه‌های کیلیمانجارو (Kilimanjaro)، کنیا، استانیلی (Stanley) و مرو (Meru) و الگون (Elgon) است که بلندی آنها از ۶۰۰۰ متر تجاوز نمیکند.

دریاچه‌های بزرگ این منطقه عبارت است از: ویکتوریا: نیانزا (Nyanza) تانگانیکا، نایواشا (Naivasha) و بارینگو (Baringo) که آب دودریاچه اخیر شیرین است. با آنکه بخش بزرگ منطقه افریقای شرقی در مسیر خط استوا قرار دارد، ارتفاعات فوق‌الذکر سبب گردیده است که متوسط درجه حرارت آن به کمتر از ۲۶ درجه سانتیگراد رسد و هوای گرم و سوزان قاره افریقا در این نواحی ملایم و معتدل شود و آب آن به نسبت فراوان گردد. از سوی دیگر، غنی‌ترین جنگلهای قاره افریقا، در منطقه افریقای شرقی قرار گرفته و این منطقه بنام «سرزمین شکار بزرگ» معروف شده است.

منطقه افریقای شرقی بسبب ویژگیهای یادشده در ابتدا مورد توجه مهاجران اروپایی قرار گرفت و همچنین موقعیت مخصوص جغرافیائی، افریقای شرقی را تا قبل از استقلال، پیوسته مرکز کشمکش قدهتهای بزرگ و استعمارگر اروپایی قرارداد. دولت آلمان از بسبب سلسله رقابت‌های استعماری با دیگر کشورهای اروپا، سرانجام از طریق تشکیل «کمپانی افریقای شرقی آلمان» در منطقه نفوذ کرد. در سال ۱۸۸۴ میلادی سلطان زنگبار که از هجوم مصر بکشور خود بوحشت افتاده بود، از انگلستان درخواست کمک کرد و این مقدمه‌ای بود بجهت دست اندازی رسمی دولت انگلیس به زنگبار، کشورهای اروپایی دیگری مانند بلژیک و فرانسه نیست هر یک مدتی در افریقای شرقی سرگرم شدند، اما در برابر نفوذ دولت انگلیس، موقعیت قابل ملاحظه‌ای بدست نیاوردند. موقعیت دولت انگلیس، علاوه بر تقدم ورود بمنطقه معلول دو دلیل دیگر نیز بود. نخست آنکه اکثر مهاجرین افریقای شرقی انگلیسی بودند و دیگر آنکه بیشتر افرادی که تجارت منطقه را در اختیار داشتند هندی بودند و خود را تحت الحمايه دولت انگلیس می‌شناختند.

آلمان و بریتانیا بر سر استعمار منطقه افریقای شرقی با یکدیگر به سختی رقابت میکردند در اکتبر سال ۱۸۸۶ میان دو کشور اخیر موافقت‌نامه‌ای به امضاء رسید که بموجب آن افریقای شرقی بدو کشور تقسیم گردید.

از پس این موافقتنامه، هیچیک ازدو دولت مذکور بطور مستقیم در اداره امور نواحی دوگانه دخالت مستقیم نداشتند، بلکه دولت انگلیس از طریق «کمپانی افریقای شرقی بریتانیا» و دولت آلمان بوسیله «کمپانی افریقای شرقی آلمان» بر امور منطقه نظارت داشتند. چون کمپانی اخیر از عهده دفاع از منافع آلمان بر نیامده امپراطوری آلمان در ماه مه سال ۱۸۸۹ میلادی طی فرمانی کمپانی مذکور را یک مؤسسه ویژه تجارتی اعلام کرد و خود اداره امور مستعمرات را در دست گرفت.


بعد از نخستین جنگ جهانی افریقای شرقی بکشورهای تانگانیکا، رواندا و اروندی تقسیم شد و قیمومت تانگانیکا بدولت انگلستان واگذار گردید. چندی پس از قیمومت دولت انگلیس، این نظر پیشنهاد شد که تانگانیکا با دیگر کشورهای افریقای شرقی بریتانیا متحد شده و یک واحد سیاسی را بوجود آورد. در تحقق این هدف کمیسیونهای متعددی تشکیل شد ولی هیچیک به نتیجه نرسید.

جنگ دوم جهانی، لزوم همکاری و توحید مساعی کشورهای افریقای شرقی را بیشتر آشکار کرد، زیرا این منطقه از نواحی مختلف مورد تهدید قرار گرفته بود. لیکن اقداماتی که بمنظور نیل به وحدت سیاسی و برقراری یک اتحادیه دفاعی صورت گرفت، بجهت مخالفت قدهتهای داخلی به نتیجه نرسید. دولت انگلیس با توجه به مصالح سیاسی و اقتصادی خویش سرانجام تصمیم به ایجاد شکل خاصی از اتحاد اقتصادی کشور های منطقه گرفت. سرانجام در یکم ژانویه سال ۱۹۴۸ «کمیسیون عالی افریقای شرقی» تشکیل شد. این کمیسیون از حکمرانان

سه کشور کنیا ، تانگانیکا و اوگاندا بوجود میآید و هدف آن همکاری در اداره خدمات امور مشترک کشورهای افریقای شرقی اعلام گردیده بود . خدمات مشترک به سه گروه اقتصادی سیاسی و همکاریهای دفاعی تقسیم میشد و نیز نمایندگیهای بمنظور انجام امور پستی و حمل و نقل پیش بینی گردیده بود .

کمیسیون عالی افریقای شرقی دارای اختیارات فوق ملی بود و بهمین دلیل با استقلال تانگانیکا در سال ۱۹۶۱ میلادی کمیسیون منحل گردید و سازمان دیگری بنام «سازمان خدمات مشترک افریقای شرقی ، جانشین آن شد .

در سال ۱۹۶۴ میلادی بعد از سلسله مذاکراتی که میان دو کشور تانگانیکا و زنگبار بعمل آمد ، ادغام دو کشور مذکور بصورت يك واحد سیاسی و تشکیل جمهوری تانزانیا اعلام گردید و هم اکنون منطقه افریقای شرقی ، سه کشور تانزانیا ، کنیا و اوگاندا را در بر گرفته است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل یکم

اوضاع طبیعی منطقه

منطقه افریقای شرقی از شمال به سودان ، اتیوپی و سومالی ، از مغرب به کنگوی بلژیک ، از جنوب به نیاسالند و افریقای شرقی پرتقال و از مشرق به اقیانوس هند محدود میگردد ، وسعت منطقه - همچنانکه گذشت حدود ۱۶۸۳۴۰۰ کیلو متر مربع است ، با آنکه افریقای شرقی چندان وسیع نیست ، بعلت شکل خاص جغرافیائی فواصل نقاط مختلف آن از یکدیگر زیاد است ، مثلا : شمال کنیا تا جنوب تانگانیکا حدود ۱۶۰۹ کیلومتر فاصله دارد .

بخش یکم - اوضاع طبیعی کنیا:

سرزمین کنیا از شمال به اتیوپی و سودان ، از مشرق به سومالی و اقیانوس هند ، از جنوب به تانگانیکا و دریاچه ویکتوریا و اوگاندا محدود است . این کشور در منطقه استوا قرار گرفته و وسعت آن حدود ۵۸۲۰۰۰ کیلومتر مربع است که حدود ۱۳۰۰۰ کیلومتر مربع آنرا آب فرا گرفته است .

بخشی از خاک کنیا خشک و ساحلی و بخش دیگر کوهستانی است .

معروفترین ارتفاعات کنیا عبارتست از کوههای کنیا ، کوه الگن (Elgon) سلسله جبال اوبردر (Oberder) که بلندی آنها از ۵۲۰۰ متر تجاوز نمیکند و همچنین یکی از بزرگترین چین خوردگیهای جهان بنام دره ریفت (Rift valley) در خاک این کشور قرار گرفته است .

آب و هوای کنیا متنوع است . حد متوسط باران سالانه در دشتهای خشک شمالی حدود ۱۲۷ میلیمتر و نزدیک دریاچه ویکتوریا ۱۷۷۸ میلیمتر و در نواحی ساحلی و ارتفاعات کنیا این میزان به حدود ۳۵۵۶ میلیمتر میرسد .

متوسط درجه حرارت در نواحی ساحلی کنیا حدود ۲۶ درجه سانتیگراد و در پایتخت ۱۹ درجه و در دشت های خشک میان ۲۱ تا ۲۶ درجه سانتیگراد است . رودخانه های مهم کنیا عبارتست از ناتا ، واتی ، اواسونگیرو و نزویا ، یالاوگوری . دو رودخانه نخست به اقیانوس هند ، اواسونگیرو به باتلاقهای دشت لسوریان و بقیه بدریاچه ویکتوریا وارد میشود .

آب و هوای کنیا بدلیل شرایط ویژه خود بسیار متغیر و متنوع است . در نقاط ساحلی آب و هوای مرطوب استوایی و در مرکز کشور خشک و در شمال سرد و کوهستانی است . با آنکه کنیا کشوری استوایی است ، ولی در سلسله جبال کنیا تقریباً همواره برف دیده میشود . تغییرات فصول در کنیا ، از طریق آغاز باران مشخص میشود ، نه درجه حرارت . بیشتر نقاط این کشور دو فصل باران دارد : فصل طولانی از آوریل تا ژوئن و فصل کوتاه مدت از اکتبر تا دسامبر .

کنیا را میتوان به چهار منطقه متمایز بشرح زیر تقسیم کرد :

۱ - دشتهای ساحلی .

۲ - دشت وسیع نییی کا (Nyika) که مجاور دشت قبلی است ،

۳ - بخش کوهستانی و پرده شرقی .

۴ - بخش دریاچه ای که تا دریاچه ویکتوریا و سرحدات اوگاندا ادامه مییابد .

در دشتهای ساحلی درختان پارور نارگیل و برخی گیاهان گوشه خوار و جنگلهای انبوه مشاهده میشود . دشتهای وسیع داخلی و نقاط شمالی پوشیده از علف و چمن و بوته های کوتاه است و همین امر طبیعت کنیا را برای دامداری بسیار مساعد کرده است . استعداد طبیعی کنیا در کشاورزی همراه با بهره گیری از عوامل تولید مساعد سبب گردیده که بازدهی در این بخش بحد باز دهی در بخش کشاورزی در کشورهای اروپائی نزدیک گردد .

محصولات کشاورزی کنیا عبارتست از قهوه سیسال (Sisal) چای ، دانه های روغنی و پروتئینی مثل گندم ، ذرت و بلوط ، همچنین کنیا بزرگترین تولید کننده پسته شام در جهان است .

اهمیت ذخائر کانی کنیا از بعد جنگ اخیر جهانی بتدریج کاهش یافته است ، ولی استخراج جوش شیرین و سنگ آهک با آهنکه مالایمی رو با افزایش بوده است . مواد معدنی قابل

۱ - سیسال گیاهی است که از نسوج برك آن ، الیاف محکم و در عین حال قابل انعطافی بدست میآید که برای تهیه نخ ریسمان ، طناب و پوشال بکار میرود و بیشتر بمصرف بسته بندی محصولات کشاورزی میرسد ، تولید آن در معرض رقابت شدید نخهای نایلونی و محصولات مشابه صنعتی دیگر قرار گرفته است . تولید این محصول حدود ۷۰ درصد تولید جهانی الیاف طبیعی را تشکیل میدهد .

توجهی که تاکنون در کنیا استخراج و صادر گردیده عبارتست از: کربنات دوسود، مس، نمک طعام، نمک تصفیه شده، سنگ آهک، دیاتومیت (Diatomite)، اکسید و کربن طلا و با اهمیت کمتری منیزیت، نقره، یاقوت، خاک چینی، پنبه نوز، گرافیت و میکا آزیست و سنگ منیزیم نیز در کنیا بمیزان کمی استخراج میگردد.

بخش دوم - اوضاع طبیعی تانگانیکا :

تانگانیکا در شرق افریقا و در جنوب خط استوا، بین دریاچه‌های ویکتوریا و تانگانیکا و نیازا (Nyasa) و اقیانوس هند واقع گردیده است. این کشور از شمال به اوگاندا و کنیا، از مشرق به اقیانوس هند، از جنوب به موزامبیک پرتقال، از جنوب شرقی به مالاوی (Malawi) و زامبیا و رودزیا و از مغرب به کنگوی لئوپولدویل بوروندی و رواندا محدود میشود. تانگانیکا دارای حدود ۸۰۰ کیلومتر مرز ساحلی در کنار اقیانوس هند است، مساحت آن نزدیک ۹۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد که حدود ۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع آنرا آب فرا گرفته است. مساحت این کشور با اندازه مجموع فرانسه، آلمان و بلغارستان و یاشش برابر خاک انگلستان است.

بجز سواحل دریا، ارتفاع متوسط تانگانیکا حدود ۳۰۰ متر از سطح دریاست. بلندترین نقطه این کشور دشتی است با ارتفاع میان ۹۰۰ تا ۱۳۵۰ متر از سطح دریا کوه‌های معروف تانگانیکا عبارتند از: پاره، اوزامبارا، لیونگستون و کوه معروف کلیمبا نجارو که ارتفاع آن حدود ۵۹۰۰ متر از سطح دریاست.

سه دریاچه بزرگ ویکتوریا، تانگانیکا و نیازا در مرزهای تانگانیکا و چهار دریاچه نارتون، وروکوا، ایازی و مانبارا در داخل خاک این کشور وجود دارد. با آنکه سه رودخانه بزرگ نیل، کنگو و زامبزی از خاک تانگانیکا سرچشمه میگیرند ولی این کشور از نظر رودخانه کشور فقیری است. رودهای داخلی تانگانیکا عبارتست از پانگانی (Pangany)، وامی (Wami)، روفی جی (Rufiji)، گریت رواهای (Great Ruaha)، موبن کورو (Mbenkuru)، رووما (Ruvuma) و کاجرا (kajera). برخی از این رودخانه‌ها بدریاچه‌های تانگانیکا و مالاوی میریزند و تنها دو رود روفی جی و کاجرا قابل کشتیرانی است.

در تانگانیکا سه گونه آب و هوای مختلف وجود دارد :

۱ - در منطقه ساحلی معتدل و مرطوب بوده میانگین درجه حرارت ۲۶ درجه سانتیگراد و متوسط باران سالانه بین ۱۰۱۶ و ۱۹۳۰ میلیمتر و میزان رطوبت زیاد است.

۲ - فلات مرکزی تانگانیکا گرم و خشک است. متوسط باران سالانه بین ۵۰۸ تا ۷۶۲ میلیمتر میباشد.

۳ - نواحی مرتفع معتدل است و متوسط باران سالانه آن از ۷۶۲ تا ۱۰۱۶ میلیمتر متغیر است.

در غالب نواحی تانگانیکا فقط دريك فصل از دسامبر تا مه باران میبارد و در نیمی از سال در دشت مرکزی تانگانیکا اصولاً آب جاری وجود ندارد .

تانگانیکا بعلت وجود آب و هوای مرطوب سبز و خرم است . در این کشور حدود ۱۳۰۶۲۷ کیلو متر مربع جنگل وجود دارد که کمتر از يك هشتم مساحت آنرا تشکیل میدهد . با آنکه بسیاری از نقاط تانگانیکا پوشیده از گیاه است ، وجودمگس تسه تسه (Tse Tse) از پرورش حیوانات اهلی و توسعه دامداری جلوگیری میکند .

صید ماهی یکی از فعالیت های تولیدی قابل توجه تانگانیکا بشمار میآید . حدود ۰/۶ مساحت تانگانیکا را دریاچه های داخلی تشکیل میدهد که میتوان در آنها ماهیگیری کرد . صید ماهی سهم زیادی در اقتصاد این کشور دارد .

کشاورزی تانگانیکا توسعه نیافته است و بسیاری از کشاورزان با استفاده از روشهای تولیدی سنتی به تولید مبادرت نموده و بخش عمده ای از تولیدات کشاورزی جنبه خود مصرفی دارد .

محصولات کشاورزی تانگانیکا عبارتست از ذرت : برنج ، حبوبات که مقدار تولید این محصولات در حد نیازهای مصرفی مردم تانگانیکا بوده وسیال ، پنبه ، قهوه ، دانه های روغنی ، بادام ، شکر و چای ، پسته شام ، تنباکو که تولیدات آن جنبه صادراتی دارد . تانگانیکا (و زنگبار) حدود ۴۰ درصد سیسال دنیا را تولید میکند . سیسال يك چهارم ارزش صادرات و يك سوم تولید کشاورزی عرضه شده . بازار تانگانیکا را تشکیل میدهد . اگر چه فعالیتهای کشاورزی در تانگانیکا باروش ابتدائی معمول و در حال رکود باقی مانده است لیکن فعالیت های معدنی توسعه بسیار زیادی داشته است .

ذخائر کانی شناخته شده در تانگانیکا عبارتست از : الماس ، طلا ، میکا ، نمک قلع ، ذغال سنگ ، آهن ، فسفات ، سرب ، مس و نقره ولی بهره برداری قابل توجه تنها از معدن الماس و طلا صورت میگردد و این دو عنصر معدنی اخیراً در اقتصاد این کشور نقش عمده پیدا کرده است .

بخش سوم - اوضاع اوگاندا :

سر زمین اوگاندا در شرق افریقا و در شمال شرقی دریاچه ویکتوریا قرار دارد . این کشور از شمال به سودان ، از مشرق به کنیا ، از جنوب به تانگانیکا و از جنوب غربی به رواندا ، از مغرب به کنگوی سابق بلژیک محدود میشود . نام کشور اوگاندا از بوگاندا که بزرگترین ایالت این کشور است گرفته شده . اوگاندا بخلاف دو کشوریاد شده دیگر به اقیانوس هند راه ندارد .

وسعت اوگاندا حدود ۲۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع است که نزدیک به ۳۵۰۰۰ کیلومتر مربع آنرا آب های داخلی و با تلاقها تشکیل میدهد . بخش بزرگ اوگاندا را دشت وسیعی تشکیل میدهد که حدود ۱۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد . در سرحدات غربی آن

سلسله جبال روونزوری (Ruwenzovi) قرار گرفته که ارتفاع آن به ۴۸۰۰ متر میرسد و در مقابل آن کوه الکن (Elgon) با ۴۳۰۰ متر ارتفاع قرار دارد. دره عظیم ریفت (Rift) که نام آن گذشت در قسمت غربی کشور قرار گرفته و از شمال بسوی جنوب امتداد یافته است این دره حدود ۹۰۰ متر از سطح دریاچه‌های ادوارد و جرج و ۶۰۰ متر از سطح دریاچه آلبرت پائین‌تر است .

گرچه اوگاندا در منطقه استوا قرار گرفته است ولی آب و هوای آن گرم و سوزان نیست و در سراسر سال ، در درجه حرارت آن تغییرات کمی ایجاد میشود . در بیشتر نقاط این کشور حداقل حدود ۳۳۰۰ میلیمتر باران در سال باریده میشود و در برخی نقاط این بارندگی بیشتر است .

متوسط میزان بارندگی در نقاط شمالی بحدود ۸۹۰ میلیمتر تقلیل مییابد و فصل خشک آن ماههای ژوئن و ژوئیه است . در اوگاندا بخلاف کنیا وضع فصول و آب و هوا بهیچوجه مرتب نیست و بهمین جهت این کشور کمتر مورد توجه مهاجرین اروپائی قرار گرفته است. دره بزرگ ریفت دلتای دریاچه کیوگا (Kyoga) در مرکز اوگاندا و دریاچه ویکتوریا در قسمت جنوبی این کشور را در برمیگیرد . نیل سفید از دریاچه ویکتوریا سرچشمه میگردد و رویشمال به پیش میرود تا بدریاچه کیوگا میرسد . از پس آن بسوی مغرب پیچیده و بدریاچه آلبرت داخل میشود . از این نقطه مجدداً بسوی شمال ادامه یافته و وارد خاک سودان میگردد . این رودخانه در بخش شمالی دارای جریانهای تند است ولی از دریاچه آلبرت به بعد ، وسیع و آرام میگردد.

در بخش جنوبی اوگاندا ، سرزمینهای پوشیده از گیاهان خودرو ، بتدریج جای خود را بمزارع بزرگ کشاورزی میدهند . با این وجود در اوگاندا جنگلهای انبوه و علفزارهای وسیع فراوان است. درختان بسیار زیادی در اوگاندا وجود دارد که میتوان از آنها برای سوخت استفاده کرد .

در بوگاندا (بخشی از سرزمین اوگاندا) باغداری مرسوم و متداول است. مزارع بزرگ سیبزمینی ، ذرت ، لوبیا و مزارع کوچک پنبه و نیز باغهای موز در این ناحیه فراوان است . بخلاف پنبه ، توتون بوسیله کشتکاران افریقائی در مقیاس وسیع تولید میشود که بخشی از آن مصرف داخلی و قسمت دیگر بخارج از کشور صادر میگردد ، علت اساسی توسعه کشت توتون در اوگاندا بالا بودن قیمت وارداتی سیگار است که از منطقه دلار تأمین میگردد .

در اوگاندا حدود ۲۰ هزار نفر بامور صید و بازاریابی ماهی اشتغال دارند و بسیاری از ماهیگیران محصول خود را به شرکت تعاونی فروش ماهی اوگاندا و یا به شرکت ماهی پلیکان میفروشند . شرکت‌های مذکور انواع ماهی تازه و منجمد را در سراسر بازار افریقای شرقی توزیع میکنند .

اوگاندا از نظر دامداری کشوری فقیر است و فراورده‌های لبنی آن حتی برای

تقاضای داخلی کافی نیست و مراکز شهری معمولاً شير مورد نیاز خود را از کنیا وارد میکنند. اوگاندا اصولاً از نظر ذخائر کانی کشوری غنی نیست. در حال حاضر علاوه بر قلع و منمقدار کمی طلا، کالومبیت، کاستریت (Cassiterite)، بریل (Beryl) تننلیت (Tantalite) و لفرام (Wolfram) و گالن استخراج میشود، ولی برای هیچیک از ذخائر فوق آینه خوبی پیش بینی نشده است.

بخش چهارم - اوضاع طبیعی زنگبار:

سرزمین زنگبار از دو جزیره جداگانه با نامهای زنگبار بمساحت ۱۶۵۷ کیلومتر مربع و پمبا (Pemba) بمساحت ۹۸۴ کیلومتر مربع تشکیل گردیده است که جزیره اخیر در شمال شرقی جزیره زنگبار و بخش کوچکی از نواحی ساحلی کنیا قرار دارد. این دو جزیره در اقیانوس هند واقع شده است. علاوه بر دو جزیره مذکور جزایر کوچک و کم اهمیت نیز در اطراف آن و تا شعاع ۱۹ کیلومتر دیده میشود.

آب و هوای زنگبار استوایی است. میانگین حداقل و حداکثر حرارت شهر زنگبار در جزیره زنگبار بین ۲۵ و ۲۴ درجه سانتیگراد و در شهر وته در جزیره پمبا بین ۲۵ و ۳۰ درجه سانتیگراد است.

متوسط باران سالانه در شهر زنگبار حدود ۱۵۷۲ میلیمتر و در شهر وته حدود ۱۹۵۳ میلیمتر میباشد.

جزیره پمبا جزیره ایست حاصلخیز. تا سال ۱۸۷۲ محصول عمده کشور زنگبار نارگیل و میخک بود. در این زمان طوفان شدیدی نهالهای میخک را از میان برده در نتیجه میزان تولید میخک کاهش یافت. این امر سبب شد مردم در جزیره پمبا نهالهای جدید میخک غرس کنند. اکنون میخک بزرگترین محصول سرزمین زنگبار است و این کشور حدود ۸۰ درصد دانه میخک دنیا را تولید و عرضه میکند.

فصل دوم

اوضاع سیاسی و اداری

افریقای شرقی را میتوان دروازه ورود به قاره افریقا شناخت. نخستین کاشفین اروپایی قاره افریقا برتون (Burton) و اسپک (Speke) بودند که برای کشف سرچشمه رود نیل سفید

از منطقه افریقای شرقی عبور کردند و از پس آن موقعیت جغرافیائی و آب و هوای مساعد این منطقه راه را برای ورود سایر اروپائیان هموار ساخت . شاید بتوان از گفتار چرچیل نخست وزیر معروف انگلستان درباره کنیا به تأثیر آب و هوا در توجه کشورهای استعمارگر به افریقای شرقی بیشتر پی برد . بگفته او : « من فکر میکنم کنیا را بیشتر از تمام افریقا دیده‌ام ... کنیا جواهری است پرارزش که بر تاجی قرار گرفته است ... برای بازگویی اوصاف آن کافی است که ترکیب جادویی آب و هوا و شرایط طبیعی آنرا بیان دارم . آب و هوای این کشور ترکیبی است از آب و هوای استوایی و کوهستانی ... کنیا سایه‌ای است در آفتاب سوزان افریقا ... »

بدین ترتیب شرایط خوشایند طبیعت در توجه کشورهای اروپائی تأثیر بسزاداشت و از آن میان بشرحی که در مقدمه گذشت کشورهای انگلیس و آلمان ، موفقیت بیشتری در استعمار افریقای شرقی بدست آوردند و تا نخستین جنگ جهانی از راههای مختلف ، استیلای خویش را در منطقه حفظ کردند .

آلمان و انگلیس ضمن جنگهای متعدد در افریقا ، تانگانیکا خسارات فراوانی وارد آوردند و بخش بزرگی از آن را ویران نمودند . پس از خاتمه جنگ و شکست آلمان منطقه افریقای شرقی برای دولت انگلیس بدون رقیب شد و جامعه ملل قیمومت آنرا بدولت اخیر واگذار کرد . پس از آن انگلستان سراسر افریقای شرقی را زیر نفوذ خویش گرفت و یک اتحادیه گمرکی مرکب از کنیا تانگانیکا و اوگاندا بوجود آورد . اقدامات دولت انگلیس در زمینه یکنواخت ساختن تدریجی مقررات مربوط به اداره امور افریقای شرقی ادامه یافت ، در سال ۱۹۲۶ شورای قانونگزاری افریقای شرقی تشکیل گردید . اعضای این شورا تا سال ۱۹۴۵ تنها از اتباع دولت انگلیس تشکیل میشد . در یکم ژانویه سال ۱۹۴۸ بنا به پیشنهاد انگلستان کمیسیون عالی افریقای شرقی برای اداره امور منطقه تشکیل گردید . این کمیسیون که تمام مسائل مربوط به روابط خارجی منطقه افریقای شرقی را تحت نظارت خویش داشت دارای جنبه فوق ملی نیز بود .

بخلاف تصور دولت انگلیس ، خاتمه جنگ دوم جهانی برای کشورهای افریقای شرقی نیز مقارن با پیدایش احساسات استقلال طلبانه بود . نخستین جنبش بجهت عدم شرکت افریقائیان در شورای قانونگزاری آغاز گردید و با عضویت نخستین افریقائی در سال ۱۹۵۱ در شورای مذکور مخالفت‌های افریقائیان شکل رسمی بخود گرفت . میان سالهای ۵۲-۱۹۵۰ جنبش‌های متعددی در افریقای شرقی آغاز شد و در طول دهه ۱۹۵۰ بتدریج شکل گرفت . و بشرحی که خواهد آمد باستقلال و آزادی کشورهای افریقای شرقی انجامید .

بخش یکم

اوضاع سیاسی و اداری کنیا

کنیا زودتر از تانگانیکا تحت نفوذ انگلستان قرار گرفت و این کشور در اداره امور کنیا بخلاف تانگانیکا بی‌رقیب بود. در سال ۱۹۰۵ مسئولیت اداره امور کنیا از وزارت خارجه به وزارت مستعمرات بریتانیا منتقل گردید. دو سال بعد یک شورای قانونگزاری در کنیا تشکیل شد که اعضای آن بوسیله فرماندار انگلیسی تعیین می‌گردید. پس از نخستین جنگ جهانی، حق انتخاب نماینده برای شورای قانونگزاری بجامعه اروپائیان مقیم کنیا محول گردید. اروپائیان نمایندگان خود را از یازده حوزه مختلف انتخاب می‌کردند. علاوه بر آن پنج نفر نماینده هندی و یک نفر عرب نیز برای شورای قانونگزاری انتخاب می‌شدند، ولی بومیان کنیا بکلی از حق انتخاب محروم بودند.

اروپائیان مقیم کنیا بیشتر نقاط کوهستانی و خوش آب و هوای این سرزمین را در اختیار گرفته بودند. پس از چندی حکومت استعماری این سرزمین با وضع مقررات انحصار منطقه‌ای تمام قسمت‌های خوش آب و هوا را به اروپائیان اختصاص داد و باین ترتیب وضع زندگی و دامنه فعالیت‌های اقتصادی بومیان به مناطق مشخصی محدود شد. این امر کم‌کم بصورت بزرگترین دستاویز اهالی کنیا برای مخالفت با رژیم استعماری و مبارزات استقلال طلبانه گردید. زیرا بتدریج مهاجرین اروپائی برای توسعه اراضی خویش افراد طایفه کیکویو (Kikuyu) یکی از طوایف بزرگ کنیا را تحت فشار می‌گذاشتند.

در سال ۱۹۳۹ هنگامیکه جنگ دوم جهانی آغاز شد انجمن ایالتی کیکویو بِنفع حکومت استعماری کنیا به فعالیت‌های جنگی پرداخت، اما انجمن مرکزی کیکویو از کمک به حکومت استعماری و شرکت در جنگ خودداری کرد.

حکومت استعماری کنیا انجمن مزبور را تعطیل و رهبران آنرا دستگیر ساخت و در نتیجه، سازمان ناسیونالیستی کیکویو حالت زیر زمینی بخود گرفت.

پایان جنگ دوم جهانی برای کنیا همزمان با پیدایش تحولات عمیق بود. در سال ۱۹۴۴ برای نخستین بار یکی از افراد کیکویو به عضویت شورای قانونگزاری منصوب گردید و در سال ۱۹۴۷ فدراسیون کارگری افریقا، بحمايت از اتحادیه افریقائی کنیا دست باعصاب زد. نهضت اتحادیه افریقائی در ایالت مرکزی کنیا توسعه بسیار داشت و علیرغم

تسامت کوششهای حکومت مرکزی ، این سازمان بفعالیت خود ادامه میداد . در سال ۱۹۵۱ وزیر مستعمرات بریتانیا وارد کنیا شد و این امر بر شدت مبارزات اتحادیه افریقائی کنیا افزود . در این زمان دو گزارش مختلف بوزیر مستعمرات بریتانیا تسلیم شد . در گزارش نخست نمایندگان اتحادیه افریقائی کنیا سئوال میکردند آیا صحیح است که پنج میلیون نفر افریقائی فقط چهار نماینده در شورای قانونگزاری داشته باشند ؟ در گزارش دیگر شورای قانونگزاری اعلام میکرد که هر نوع عملی که بصورتی منجر به فعالیت‌های ناسیونالیستی شود چون مخالف با نظر دولت بریتانیا است باید آشوب و فتنه گری تلقی گردد .

سفر وزیر مستعمرات بریتانیا در وضع کنیا ، چندان مؤثر نشد لیکن به توسعه نهضت زیر زمینی انجامید . مهمترین این نهضتها ، سازمان زیرزمینی و تروریستی مائوماو (Mau Mau) بود که در سال ۱۹۵۲ از افراد طایفه کیکویو تشکیل یافت ، پیدائی این سازمان را متأثر از عوامل متعددی ، از جمله تصاحب اراضی افراد ، محرومیت از حقوق سیاسی ، نابسامانی اوضاع اقتصادی ، بیکاری و آوارگی مردم دانسته اند . افسراد سازمان مائوماو بامبارزات عجیب خود ، ترس و وحشت زیادی در کنیا ایجاد کردند و پیوسته اروپائیان و کارگزاران آنان را از پای در میآوردند . حکومت استعماری کنیا کلبه نهضت‌های داخلی را بنائش از تحریکات طرفداران سازمان مائوماوها میدانست و بدین ترتیب فعالیت سیاسی طایفه کیکویو را سرکوب و رهبران ملی کنیا را دستگیر و زندانی میکرد .

در طول سالهای ۵۴-۱۹۵۳ میان حکومت استعماری کنیا و طایفه کیکویو جنگهای شدیدی در گرفت که تعداد زیادی کشته شدند و چندین دهکده به آتش کشیده شد . در نتیجه این جنگها ، در وضع شورای قانونگزاری تغییراتی پدید آمد و در سال ۱۹۵۷ تعداد افراد افریقائی در شورای مزبور به ۸ نفر افزایش یافت و در سال ۱۹۵۸ این تعداد به ۱۴ نفر رسید . این سرآغاز فعالیت‌های رسمی و متشکل در مبارزات استقلال طلبانه کنیا بشمار میرود . در این زمان دو حزب در کنیا فعالیت داشت که یکی « اتحادیه ملی افریقائی کنیا (Kenya African Democratic Union - K. A. N. U) بود و دیگری « اتحادیه دموکراتیک افریقائی کنیا » .

(Kenya African Democratic Union - K. A. D. U.) حزب نخست که تشکلی از مبارزین استقلال طلب مردم کنیا بویژه طایفه کیکویو بود ، بوسیله جومو کنیانا (Jomo Kenyatta) یکی از افراد طایفه کیکویو رهبری میشد . . و حزب دوم بیشتر از روستائینی که اراضی خود را بنبف اروپائیان از دست داده بودند و همچنین اهالی ساکن در اراضی ساحلی تشکیل شده در این زمان توسط رونالدنگالا (Ronold Ngala) یکی دیگر از مبارزین استقلال رهبری و هدایت میشد .

جومو کنیا تا که بعلت رهبری جنگجویان مائوماو در سال ۱۹۵۳ توسط حکومت انگلیس به زندان افتاده بود در اوت ۱۹۵۱ از زندان‌رها شد و حزب او یعنی « K. A. N. U. » که

در انتخابات همان سال حائز اکثریت شده بود با کمک حزب «K. A. D. U.» يك حکومت ائتلافی بوجود آورد و حکومت انگلیس ناچار در دسامبر ۱۹۶۳ حق استقلال و حاکمیت کنیا را برسمیت شناخت و به حکومت استعماری چندین ساله خود پایان داد .

از اولین اقداماتی که بعد از استقلال انجام شد خرید اراضی اروپائیان و انتقال آن به افریقائیان بود که بعلمت اجحاف اروپائیان هنوز بدون زمین بودند . بالاخره در دومین سال استقلال حزب K. A. D. U. در حزب K. A. N. U. ادغام گردید و از آن زمان تا کنون نیز علیرغم تفرقه‌ها و انشعاب‌های متعدد در حزب حاکم و همچنین نهضت‌های افراطی چپ که خواهان اقدامات حادثر و جسورانه تری در زمینه ملی کردن کلیه فعالیت‌های اقتصادی بود زد و یا مخالفت‌های اتحادیه‌های کارگری با برخی از مصوبات قانونی حکومت جدید ، این کشور توانسته است در جهت تقویت قدرت مرکزی اقدامات مؤثری انجام دهد .

بخش دوم

اوضاع سیاسی و اداری اوگاندا

دست‌اندازی و شروع نفوذ انگلستان در اوگاندا با دیگر کشورهای افریقای شرقی ، تفاوتی چندان نداشت. سرزمین اوگاندا در سال ۱۸۹۰ تحت نفوذ دولت انگلیس قرار گرفت و در سال ۱۸۹۴ تحت الحمایه این کشور شد . زمانی که بریتانیا و آلمان افریقای شرقی را به مناطق نفوذ خویش تقسیم می‌کردند ، بوگاندا بخش مهم اوگاندا جزو منطقه نفوذ انگلیس درآمد و این کشور بتدریج مناطق شمالی بوگاندا را اشغال کرد و تحت تسلط خود درآورد و همه منطقه را اوگاندا نامید .

در سال ۱۹۰۵ اداره امور اوگاندا به وزارت مستعمرات انگلیس محول شد و حکمران اوگاندا با عنوان فرماندار جانشین کمیسر عالی گردید . پس از آن در اوگاندا نیز بمانند دیگر کشورهای افریقای شرقی يك شورای قانونگزاری بوجود آمد که افریقائیان از شرکت در آن محروم بودند .

روابط دولت انگلیس با اوگاندا ، تا مدتی در روابط این کشور با حکمرانان منطقه بوگاندا خلاصه می‌شد زیرا آبادترین و پرجمعیت‌ترین نقاط اوگاندا در منطقه بوگاندا

قرار گرفته است . بدین ترتیب اداره امور اوگاندا بدون اشکال تا سال ۱۹۲۰ ادامه یافت . از این سال بود که میان حکومت انگلیس و مقامات محلی بر سر اداره کشور و در نظر گرفتن بوگاندا بصورت جزئی از سرزمین اوگاندا اختلاف حاصل شد و بتدریج رنگ ملی و استقلال طلبانه گرفت .

مبارزات مردم اوگاندا ببنام این متفاوتی چون مخالفت با نفوذ تمدن غرب ، جلوگیری از تسلط اروپائیان و حفظ مالکیت بومی زمینهای مزروعی تا قبل از جنگ دوم جهانی ادامه یافت . در طول جنگ شورهای مختلفی در اوگاندا آغاز شد . در سال ۱۹۴۵ برای نخستین بار افریقائیان به شورای قانونگزاری راه یافتند و در سال ۱۹۴۹ طی فرمانی حقوق مردم افریقائی اوگاندا نسبت بمالکیت اراضی مورد تأیید حکومت استعماری قرار گرفت ، اما هیچک از اقدامات فوق نتوانست آرامش نسبی اوگاندا را تضمین کند ، زیرا قسمتی از آشفتهگی های این سرزمین ناشی از احساسات مردم بوگاندا و امتناع آنان از تبعیت رژیم مرکزی بود . سرانجام نیز در سال ۱۹۵۳ ایالت بوگاندا از همکاری و تبعیت رژیم استعماری سر باز زد و خواستار استقلال کامل شد .

این شورش که بوسیله کاباکا رهبر بوگاندا هدایت می گردید ، موجب ناراحتی های فراوانی برای دولت انگلیس شد و حکومت استعماری انگلیس برای جلوگیری از توسعه آن ، کاباکا را بمرکز احضار و سپس به لندن تبعید نمود .

دولت انگلیس باتبعید کاباکا در حقیقت ندانسته زمان استقلال اوگاندا را بجلو انداخت ، زیرا با این عمل سراسر سرزمین اوگاندا در شورش و اعتصاب فرو رفت . سرانجام در کنفرانس سال ۱۹۶۱ لندن نمایندگان بوگاندا موفق شدند که در فرهنگ ، امور عمومی و حکومت داخلی خود مختار شده و با حکومت مرکزی رابطه فدرال بوجود آورند . در همین کنفرانس تصمیم گرفته شد که در مارس ۱۹۶۲ به سرزمین تحت الحمايه اوگاندا استقلال داخلی و در اکتبر همان سال استقلال کامل داده شود .

در ژوئن سال ۱۹۶۲ کنفرانس دیگری بمنظور تهیه مقدمات استقلال اوگاندا در لندن تشکیل شد . در این کنفرانس طرح قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت . همچنین اختلافات ارضی میان مناطق مختلف اوگاندا بطور موقت حل و فصل گردید و منطقه بوگاندا حاضر شد که از قسمتی از ادعاهای مالی خویش نسبت بحکومت مرکزی درگذرد تا مقدمات استقلال هر چه زودتر بعمل آید .

سرانجام در اکتبر سال ۱۹۶۲ سرزمین اوگاندا باستقلال کامل رسید و پس از یکسال قرار شد که مقام فرمانداری کل حذف شده و کشور بصورت جمهوری اداره شود . با تغییراتی که در قانون اساسی اوگاندا بعمل آمد ، روز ۴ اکتبر سال ۱۹۶۳ حکومت کشور جمهوری اعلام گردید . اولین رئیس جمهوری این کشور کاباکا رهبر مبارزات استقلال طلبانه و نماینده منطقه بوگاندا بود . در فوریه سال ۱۹۶۶ نخست وزیر این کشور موفق شد کلیه قدرت های

رئیس جمهور را در دست گرفته و قانون اساسی جدیدی بجای قانون ۱۹۶۲ پیشنهاد نماید . قدرت نخست وزیر و اقدامات او از طرف مجمع قانونگزاری ایالت بوگاندا رد شد ، ولی بعد از یک درگیری نظامی در قصر کاباکا ، قدرت مرکزی در بوگاندا درهم شکست و او بوته در آوریل ۱۹۶۶ به ریاست جمهوری رسید .

در سال ۱۹۶۷ قانون اساسی جدیدی که متضمن اختیارات وسیعی برای مقام ریاست جمهوری بود پیشنهاد شد . مقررات سابق مورد تجدید نظر قرار گرفت و مقرر گردید دولت مرکزی نظارت وسیعی را نسبت به دولت های محلی اعمال نماید و رئیس جمهور اختیاریافت تا دوره پنج ساله مجلس ملی را برای پنج سال دیگر تمدید نماید . از سال ۱۹۶۲ تا سال ۱۹۶۹ هیچ انتخاباتی صورت نگرفته است . در سپتامبر ۱۹۶۹ فعالیت کلیه احزاب سیاسی تحریم گردید و این وضعیت نشان دهنده اتکاء زیاد دولت او بوته به ارتش است ، ارتشی که بدون آن وی نمی توانست وضع خود را در سال ۱۹۶۶ تثبیت نماید .

در سال ۱۹۶۹ او بوته « منشور همگانی » خود را بعنوان جزئی از سیاست گرایش به چپ انتشار داد و امیدوار بود که بتواند با اجرای مفاد آن ریشه کلیه اختلافات ناشی از رقابت های محلی و قبیله ای را که اوگاندا سالها بآن دچار بود از بن بر کند . حکومت او بوته بدون اینکه بتواند نظام های حکومت های محلی و نهادهای سنتی مربوط بدان را بطور کامل از بین ببرد و سیستم سیاسی جدیدی را جایگزین آن سازد در ژانویه ۱۹۷۱ در یک کودتای نظامی که توسط ژنرال عبیدی امین صورت گرفت ساقط گردید .

پرتال جامع علوم انسانی

بخش سوم

اوضاع سیاسی و اداری تانگانیا

چنانکه گذشت سرزمین تانگانیا در اختیار دولت آلمان بود . ولی دولت انگلیس که به کنیا وارد شده بود ، در این ناحیه نیز نفوذ کرد . در طول نخستین جنگ جهانی سه نیرو در تانگانیا بر ابریکدیگر قرار گرفتند که دنیروی نخست آلمان و انگلیس ، و نیروی سوم ، مبارزان متفرق و سازمان نیافته ملی و استقلال طلب بود .

در اواخر سال ۱۹۱۶ نیمه شمالی تانگانیا و در ژانویه سال ۱۹۱۹ خاک تانگانیا تحت نفوذ دولت انگلیس درآمد و یک نفر انگلیسی بعنوان فرماندار تانگانیا قیمومت این سرزمین

را بمهده گرفت . حکومت انگلیسی تانگانیکا باتشکیل شورای قانونگزاری ، روش حکومت مستقیم را از میان برداشت .

شورای قانونگزاری مشی سیاسی تانگانیکارا مشخص کرده و اجرای آنرا به عمل محلی واگذار می کرد . شورای قانونگزاری بموجب گزارش سال ۱۹۳۹ تانگانیکاکه بهجامعه ملل تسلیم داشته است دارای ۱۰ نقره رسمی بود که تمام آنها را افراد انگلیسی بوجود میآوردند و هیچیک از افریقائیان را در شورای مذکور راه نبود . این وضع بیش و کم تا سال ۱۹۵۰ ادامه یافت .

از آغاز دهه ۱۹۵۰ بعلت تحول شکل سیاسی افریقا و استقلال بعضی از کشورهای افریقائی که عضو سازمان ملل نیز شده بودند ، همچنین نفوذ دولت های بلوک شرق در قاره افریقا ، وضع کشورهای افریقائی شرقی اهمیت یافت .

تأسیس نهضت اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکا را شاید بتوان نخستین گام رسمی و قابل توجه در راه استقلال این کشور شناخت . در سال ۱۹۵۳ ، جولوس نوردر (Julius Kambarage Nyerer) که یکی از تحصیل کردگان تانگانیکا و معلم مدرسه کاتولیک بود ، بریاست انجمن افریقائی تانگانیکا انتخاب شد . نیرر بمنظور تبدیل انجمن افریقائی تانگانیکا ، به یک نهضت سیاسی فعال تحولات زیادی بوجود آورد و نام انجمن را به واتحادیه ملی افریقائی تانگانیکه (Tanganyika African National Union - T. A. N. U.) مبدل ساخت . این حزب که هدف عمده را که یکی آمادگی برای استقلال و دیگری یکپارچه ساختن ملت تانگانیکا بود تعقیب می نمود .

در سال ۱۹۵۴ ، شورای قومیت سازمان ملل هیئتی برای بررسی اوضاع تانگانیکا باین کشور اعزام داشت ، هیئت مزبور در گزارش خود بسازمان ملل ، دولت انگلیس را مکلف می کرد که طی بیست سال آینده به تانگانیکا استقلال دهد ، اما نتوانست وجود اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکارا نادیده انگارد . در این گزارش تصریح گردیده بود که اهالی تانگانیکا از عضویت در شورای قانونگزاری محروم بوده ، و فقط مصادر امور کم اهمیت می باشند .

نتیجرات هیئت اعزامی سازمان ملل در مورد استقلال تانگانیکا مورد تأیید افریقائیان این سرزمین قرار نگرفت و کوششهای ملی در راه تحقق استقلال ادامه یافت . هیئت حاکمه انگلیسی تانگانیکا ، به بهانه فقدان افراد تحصیل کرده و عجز تانگانیکا از اداره امور خویش ، بایجاد و توسعه هر گونه جنبش استقلال طلب در این کشور بشدت مبارزه می کرد .

حزب اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکا در سال تأسیس درخشش چندانی نداشت . در این هنگام اسکار کامبوننا (Oscar Kambona) که یکی دیگر از مبارزان برجسته تانگانیکا بود ، به دبیر کلی اتحادیه انتخاب گردید . این حزب بتدریج در دارالسلام مرکز حکومت تانگانیکا وسراسر نقاطی که خط آهن مرکزی عبور می کرد ، اعتبار یافت . در همین زمان احزاب متفرق دیگری نیز شروع بفعالیت نمودند . حکومت تانگانیکا بمنظور جلو گیری از

تشکیل نیروهای استقلال طلب، کوچکترین تخلفات اعضای اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکا را با سروصدا و تبلیغات فراوانی ناموجه جلوه گر ساخته و از هرگونه تظاهرات سیاسی جلوگیری مینمود .

درسال ۱۹۵۶ حکومت انگلیسی تانگانیکا برای جلوگیری از توسعه روزافزون حزب اتحادیه ملی، حزب متحد تانگانیکا را بوجود آورد . عقیده حزب متحد تانگانیکا بر این بود که اداره امور تانگانیکا تا زمان قبل از استقلال با دولت انگلیس است، نه نظرات سازمان ملل . همچنین بموجب نظر این حزب تا زمانی که ملیت های مختلف تانگانیکا با یکدیگر وحدت نظر نیافته اند، اجرای قانون اساسی موجود می باید ادامه یابد . اذهدهای حزب متحد تانگانیکا استقبال نشد و چون این حزب خود را باشکست مواجهه دید، تغییر شکل داده و درعمل طرفدار آزادی و استقلال تانگانیکا و انجام انتخابات گردید . سرانجام به پیشنهاد حزب متحد تانگانیکا درسال ۱۹۵۸ دستور انتخابات داده شد، اما چون شکل پیشنهادی این انتخابات راه را برای ادامه نفوذ دولت قیم باز می گذاشت، از طرف حزب اتحادیه ملی مورد مخالفت قرار گرفت . با این وجود انتخابات ۱۹۵۸ با پیروزی حزب اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکا در شورای قانونگزاری انجام گردید .

پس از کشمکش های بسیار، سرانجام در ژوئیه سال ۱۹۵۹ شورای دیگری بنام شورای وزیران تانگانیکا بوجود آمد . این شورا امور مربوط به قانونگزاری را ابتدا مطرح و بررسی کرده و سپس برای تصویب به شورای قانونگزاری پیشنهاد مینمود . در سال ۱۹۶۰ انتخابات شورای قانونگزاری تجدید شد و در این دوره انتخابات بود که حزب اتحادیه ملی پیروزی کامل بدست آورد و جولیوس نیرر به نخست وزیری انتخاب گردید . نخست وزیری نیرر نیز قرین موفقیت و آرامش نبود، نیرر از غیر افریقائیان از جمله اروپائیان نیز در اداره امور کشور استمداد جست و در تقسیم مشاغل دولت و تصدی افریقائیان افراط نکرد . این امر سبب بروز اختلاف شده و نهضت های مختلفی به مخالفت با نیرر پیا خاستند و در این جریانات میان نیروهای حزب اتحادیه ملی افریقائی تانگانیکا، شکاف افتاد .

سرانجام در اکتبر سال ۱۹۶۰، فرماندار انگلیسی تانگانیکا بشورای قانون گزاران اطلاع داد که دولت بریتانیا مایل است هر چه زودتر به تانگانیکا استقلال داده شود و بهمین منظور در مارس ۱۹۶۱ کنفرانسی در لندن تشکیل خواهد شد . دولت بریتانیا بدها از تشکیل این کنفرانس منصرف شد و وزیر مستعمرات خویش را به همراه چند تن از مشاورین به تانگانیکا اعزام داشت . وزیر مستعمرات انگلیس بمنظور تهیه طرح خود مختاری تانگانیکا، کنفرانسی در دارالسلام ترتیب داد . این کنفرانس دوزخ بطول انجامید . در خاتمه اعلام گردید که : « روز یکم ماه مه سال ۱۹۶۱ به تانگانیکا حکومت خود مختار داخلی داده خواهد شد و تانگانیکا حکومت را بطور کامل در دست خواهد گرفت و نیرر بجای فرماندار بریتانیائی در رأس هیئت وزیران انجام وظیفه خواهد کرد و تا ۸۲ دسامبر سیاست خارجی کشور در دست فرماندار بریتانیائی باقی خواهد ماند و در روز مذکور به تانگانیکا استقلال

کامل داده خواهد شد.

مجمع ملی، پس از بررسی و تنظیم قانون اساسی و نحوه انتخابات و اخذ رأی در ماه ژوئن ۱۹۶۱ از دولت بریتانیا تقاضای استقلال کرد. سرانجام در دسامبر ۱۹۶۱ تانگانیکا به استقلال نائل آمد و تمام قدرتهای دولتی از فرماندار کل به جولیوس نیرر منتقل گردید.

در فوریه ۱۹۶۲ پارلمان تانگانیکا بدولت اعلام داشت که هرچه زودتر برای ایجاد يك کشور جمهوری و عضویت در جامعه مشترك المنافع بریتانیا قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار دهد. روزیکم ماه اوت جولیوس نیرر بوسیله حزب اتحاد ملی نامزد ریاست جمهوری شد. سرانجام در دسامبر سال ۱۹۶۲ یکسال پس از استقلال نیرر ریاست جمهوری انتخاب شد.

رئیس جمهوری تانگانیکا بوسیله انتخابات عمومی تعیین می شود و بموجب قانون اساسی هیئت وزیران را انتخاب و بر جلسات آنها ریاست مینماید. مقام نخست وزیر حذف و بجای آن معاون ریاست جمهوری بوسیله رئیس جمهور انتخاب می گردد که امور دولتی را در مجمع قانونگذاری اداره و سرپرستی می کند.

بخش چهارم

اوضاع سیاسی و اداری زنگبار

سرزمین زنگبار بجهت موقعیت ویژه جغرافیائی، از قدیم گذرگاه تجارتهی ساکنان خلیج فارس و دریای سرخ بشمار میآمده است. منطقه افریقای شرقی از شمال تا زنگبار فعلی در قرن هفتم قبل از میلاد مسیح تحت نفوذ عربستان قرار داشت. پس از اسلام نیز مردم زنگبار بوسیله اعراب عربستان بدین اسلام و مذهب شافعی گرویدند. در سال ۹۷۵ میلادی سرزمین زنگبار بوسیله عده ای از ایران شیرازی مورد هجوم واقع شد و اینان موفق شدند که در این سرزمین يك امپراطوری کوچک شیعه مذهب بوجود آرند.

ملل اروپایی، هنگامیکه در جستجوی ادویه بودند، به زنگبار راه یافتند و بتدریج آنقدر در این سرزمین نفوذ یافتند که زنگبار در ۱۵۰۳ میلادی ناگزیر خراجگزار پرتغال شده و در اختیار این کشور قرار گرفت.

در سال ۱۸۵۶ سلطان سید سعید سلطان زنگبار امپراطوری وسیعی که عمان، زنگبار، ساحل افریقای شرقی و پاره ای از نقاط داخلی افریقا را در بر می گرفت تشکیل داد، ولی

این امپراتوری چندین دیر بنیاد و بموجب قرار دادی که در سال ۱۸۸۶ میان فرانسه، بریتانیا و آلمان با امضاء رسید، قلمرو امپراتوری زنگبار بیک قطعه ازم منطقه ساحلی محدود گردید. سر انجام دولت بریتانیا در سال ۱۸۹۰ زنگبار را مستعمره خویش اعلام داشت. یکسال بعد مأمورین انگلیس وارد زنگبار شدند و حکومت را در دست گرفتند و سلطان را از اقتدارات خویش خلع کردند.

در سال ۱۹۱۳ کنترل امور زنگبار از وزارت خارجه به وزارت مستعمرت بریتانیا منتقل شد و یکنواختی شکل حکومت در کشور های افریقای شرقی در این سرزمین رعایت نشد. چون سلطان زنگبار هنوز دارای قدرت بود. در سال ۱۹۱۴ کمیسر عالی کنیا که مسئول اداره امور زنگبار نیز شده بود، یک شورای مستعمراتی بریاست سلطان تشکیل داد این وضع تا سال ۱۹۲۵ ادامه یافت. در این سال نماینده دولت انگلیس بطور رسمی حکومت را در دست گرفت. و در سال ۱۹۲۶ شورای مستعمراتی را منحل و وظایف آنرا بشورای قانونگزاری واگذار کرد.

لزوم استقلال زنگبار همزمان با دیگر سرزمین های افریقای شرقی در سالهای پس از جنگ جهانی دوم احساس شد.

در سال ۱۹۵۶ یک شورای قانونگزاری منتخب مردم تشکیل گردید. در آوریل سال ۱۹۶۳ وزیر مستعمرات انگلیس آمادگی دولت متبوع خویش را برای اعطای استقلال به زنگبار اعلام داشت و سر انجام زنگبار در دسامبر ۱۹۶۳ استقلال یافت. پس از استقلال زنگبار از داخل مواجه با چند دستگی و اختلاف شد. ژانویه ۱۹۶۴ حزب آفروشیرازی با یک کودتا زمام امور کشور را در دست گرفت و شیخ کرومه رهبر حزب بریاست جمهوری خلق زنگبار تنبیس داد.

در ۲۲ آوریل سال ۱۹۶۴ رئیس جمهور تانگانیکا با اتفاق وزیر خارجه کشور خویش وارد زنگبار شد و پس از مذاکراتی که با رئیس جمهوری خلق زنگبار بعمل آورد اتحاد دو کشور زنگبار و تانگانیکا مورد موافقت طرفین قرار گرفت. روز بعد رؤسای جمهوری دو کشور، انعقاد قرارداد ادغام دو جمهوری و تصویب آنرا بوسیله مجمع ملی تانگانیکا و شورای انقلاب زنگبار اعلام داشتند. اعلامیه وحدت حاکی بود که:

۱- جمهوری متحد تانگانیکا و زنگبار بریاست جمهوری جولوس نیرر و معاونت اول شیخ عبید امانی کرومه (رئیس جمهور سابق زنگبار) تشکیل میگردد.

۲- تازمان تشکیل مجلس مؤسسان بمنظور تدوین قانون اساسی جدید، امور داخلی زنگبار بوسیله یک قوه مجریه با اختیارات محدود، یک مجلس قانونگزاری و بر طبق قانون اساسی تانگانیکا اداره خواهد شد.

۳- نمایندگان پارلمان دو کشور سابق اعضاء پارلمان جمهوری جدید را تشکیل میدهند.

درسی ام اکتبر سال ۱۹۶۴ جولوس نیرر در يك كنفرانس مطبوعاتی در دارالسلام اعلام داشت که نام رسمی دو جمهوری متحد - جمهوری تانزانیا میباشد.

جمهوری تانزانیا از بدو پیدایش ، ازمشى خاصی در سیاست خارجی خویش پیروی کرده که با دیگر کشورهای افریقای شرقی متفاوت است - در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۶۵ ، تانزانیا برسر مسأله رودزیا روابط سیاسی خود را با انگلستان قطع کرد. این نخستین کشور از جامعه کشورهای مشترک المنافع انگلیس بود که اقدام بچنین کاری میکرد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست مطالب شماره های قبلی

۱- آئین دادرسی کیفری و علم اداره زندان

- ۱- تحولات دلایل قضائی در دوران انقلاب فرانسه .
دکتر ضیاءالدین پیمانی
شماره ۲ صفحه (۴۳-۵۰)
- ۲- شکل و قدرت اثباتی دلایل قضائی در رژیم سابق فرانسه .
دکتر ضیاءالدین پیمانی
شماره ۴ صفحه (۶۳-۸۳)
- ۳- تعیین رژیم دادرسی کیفری و دلایل قضائی فرانسه
دکتر ضیاءالدین پیمانی
شماره ۵ صفحه (۴۹-۷۲)
- ۴- انقلاب فرانسه و تأثیر آن در رژیم دلائل قانونی
دکتر ضیاءالدین پیمانی
شماره ۸ صفحه (۳۰-۶۴)
- ۵- شرح يك محاکمه جنائی راجع به جعل
ارسلان خلعتبری
شماره ۱ صفحه (۲۲-۲۶)
- ۶- قاضی ناظر اجرای مجازات در فرانسه
دکتر تاج زمان دانش
شماره ۷ صفحه (۹۹-۱۰۸)

۲- آئین دادرسی مدنی و سازمان قضائی

- ۱- گواهی انحصار وراثت
دکتر جعفر بوشهری
شماره ۲ صفحه (۶۲-۷۱)
- ۲- خانه انصاف و شورای داوری
دکتر خسرو گیتی
شماره ۱ صفحه (۶۷-۷۳)
- ۳- خانه انصاف و شورای داوری
دکتر خسرو گیتی
شماره ۲ صفحه (۸۸-۱۰۳)
- ۴- اعتراض بحکم غیابی در قانون آئین دادرسی مدنی
دکتر ~~...~~
شماره ~~...~~ (۱۹۳-۲۸۲)

۳- حقوق اداری

- ۱- انجمنهای استان و شهرستان (ایالتی و ولایتی)
دکتر عبدالحمید ابوالمحمد
شماره ۲ صفحه (۱۲-۴۲)
- ۲- قدرت عمومی و مستخدم دولت
دکتر عبدالحمید ابوالمحمد
شماره ۵ صفحه (۱-۲۲)
- ۳- قانون تأسیس سازمان اسناد ملی
دکتر جعفر بوشهری
شماره ۴ صفحه (۳۰-۴۲)
- ۴- انقلاب اداری و مسأله دادگاههای اداری
دکتر منوچهر طباطبائی مؤتمنی
شماره ۸ صفحه (۶۵-۷۹)

۴- حقوق اساسی

- ۱- نظری به حقوق اساسی تطبیقی
دکتر جعفر بوشهری
شماره ۶ صفحه (۱-۲۱)
- ۲- قانون اساسی و قوه قضائیه ایران
دکتر جعفر بوشهری
شماره ۷ صفحه (۱۶-۳۴)
- ۳- شأن نزول تعادل قوی و نزول شأن آن
دکتر ابوالفضل قاضی
شماره ۵ صفحه (۷۳-۱۰۸)
- ۴- نهادهای سیاسی و حقوق اساسی
دکتر کاظم معتمد نژاد
شماره ۵ صفحه (۱۳۶-۱۵۷)

۵- حقوق بین الملل

- ۱- تدابیر بین المللی برای اجراء و حفظ حقوق
بشر و آزادیهای اساسی
دکتر منوچهر گنجی
شماره ۱ صفحه (۷۴-۱۰۸)
- ۲- مسأله خلع سلاح در سازمان ملل متحد
دکتر منوچهر گنجی
شماره ۴ صفحه (۱۱۱-۱۴۴)

- ۳- وابستگی کشورهای عضو سازمان ملل متحد
بگروه‌های مختلف و اهمیت کار این گروه‌ها
- ۴- مسأله خاورمیانه در سازمان ملل متحد
- ۵- همکاری‌های منطقه‌ای
- ۶- سازمان‌های اروپایی و وحدت اروپا
- دکتر منوچهر گنجی
شماره ۵ صفحه (۱۱۶-۱۳۵)
- دکتر منوچهر گنجی
شماره ۶ صفحه (۷۵-۱۱۹)
- دکتر هوشنگ مقتدر
شماره ۶ صفحه (۱۶۱-۱۸۰)
- دکتر هوشنگ مقتدر
شماره ۷ صفحه (۱۹۸-۲۱۱)

۶- حقوق تجارت

- ۱- برداشتی از کنفرانس اخیر، یاتا
- ۲- بحثی درباره شرکت‌های تعاونی روستایی در ایران
- دکتر بهروز اخلاقی
شماره ۸ صفحه (۱-۲۹)
- سهیلا شاهکار
شماره ۳ صفحه (۶۸-۸۶)

۷- حقوق کار

- ۱- دادرسی کار در ایران و پیشنهادهایی برای آن
- ۲- حقوق کار در ارتباط با سیاست اشتغال و مسائل نیروی انسانی
- دکتر فریدون کاوسی
شماره ۱ صفحه (۵۹-۶۶)
- دکتر فریدون کاوسی
شماره ۵ صفحه (۱۰۹-۱۱۵)

۸- حقوق کیفری اختصاصی

- ۱- توقیف و حبس غیرقانونی
- دکتر جعفر بوشهری
شماره ۳ صفحه (۴۲-۵۰)

۹- حقوق کیفری عمومی و جرم شناسی

- ۱- آیا مجرم گناهکار است ؟ دکتر رضا مظلومان
شماره ۳ صفحه (۱۳۴-۱۵۹)
- ۲- این عدالت است یا بیدادگری؟ دکتر رضا مظلومان
شماره ۴ صفحه (۱۵۷-۱۸۱)
- ۳- آیا زیان عدالت به بزهکار متناسب با جرم ارتكابی اوست؟ دکتر رضا مظلومان
شماره ۶ صفحه (۱۲۰-۱۶۰)
- ۴- حقوق جزا و جرم شناسی دکتر رضا مظلومان
شماره ۷ صفحه (۱۵۲-۱۹۷)
- ۵- حقوق جزا و جرم شناسی دکتر رضا مظلومان
شماره ۸ صفحه (۸۰-۱۰۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۰- حقوق مدنی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- اجاره اشياء دکتر عبدالمجید امیری قائم مقامی
شماره ۷ صفحه (۱-۱۵)
- ۲- مهابات (افزار منابع) دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی
شماره ۱ صفحه (۱۲-۲۱)
- ۳- غصب دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی
شماره ۳ صفحه (۵۱-۶۷)
- ۴- عناصر غصب (۱) دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی
شماره ۶ صفحه (۲۲-۳۵)
- ۵- عناصر غصب (۲) دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی
شماره ۷ صفحه (۶۳-۹۸)
- ۶- مسؤلیت سازندگان و فروشندگان کالای معیوب دکتر سید حسین صفائی
شماره ۱ صفحه (۳۵-۵۸)

- ۷- تعهد حسن انجام قرارداد (ضمانت) دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۲ صفحه (۶۱-۵۱)
- ۸- اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق ایران و فرانسه دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۲ صفحه (۸۷-۱۰۸)
- ۹- اشتباه در شخص طرف قرارداد « « « دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۴ صفحه (۸۴-۱۱۰)
- ۱۰- مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱) دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۶ صفحه (۳۶-۵۱)
- ۱۱- مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۲) دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۷ صفحه (۱۰۹-۱۳۲)
- ۱۲- نظریه جهت در قراردادها دکتر سیدحسین صفائی
شماره ۸ صفحه ()
- ۱۳- بحث مختصری در اطراف ماده ۳۸۷ ق.م.د. ایران دکتر ابوالحسن محمدی
شماره ۳ صفحه (۱۶۰-۱۶۹)
- ۱۴- شرحی بر ماده ۳۸۷ ق.م.د. ایران دکتر ابوالحسن محمدی
شماره ۴ صفحه (۱۴۵-۱۵۶)
- ۱۱- علوم سیاسی

- ۱- سیاست و عرصه آن دکتر عبدالحمید ابوالحمد
شماره ۳ صفحه (۶-۴۱)
- ۲- سیاست و تصمیم گیری دکتر عبدالحمید ابوالحمد
شماره ۴ صفحه (۱-۲۹)
- ۳- علت ، پیدایی و تحول آن دکتر عبدالحمید ابوالحمد
شماره ۸ صفحه (۱۱۰-۱۲۸)
- ۴- مفهوم ایدئولوژی دکتر قاسم افشاری
شماره ۸ صفحه (۱۲۹-۱۶۲)
- ۵- اهداف ملی و سیاست خارجی دکتر حمید بهزادی
شماره ۴ صفحه (۴۳-۶۳)

- ۷- نگاهی به گذشته خلیج فارس
زهره وجدی
شماره ۲ صفحه (۱۰۴-۱۲۴)
- ۸- سمینار آکادمی حقوق بین الملل لاهه
زهره وجدی
شماره ۲ صفحه (۱۱-۱)

۱۳- کلیات

- ۱- سیسرو، یكوكيل مدافع بزرگ
آلبرت برناردی
شماره ۲ صفحه (۸۷-۷۲)
- ۲- رویه‌های قضائی
دکتر کفر بوشهری
شماره ۱ صفحه (۱۱-۴)
- ۳- خلاقیت و وجدان ناخودآگاه
دکتر پرویز صانعی
شماره ۱ صفحه (۳۴-۲۷)
- ۴- پیش گفتار
دکتر منوچهر گنجی
شماره ۱ صفحه (۳-۱)
- ۵- نامه دانشکده حقوق دانشگاه تهران به دبیر کل
سازمان ملل متحد
دکتر منوچهر گنجی
شماره ۳ صفحه (۵-۱)
- ۶- پیام ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دکتر محمد نصیری
شماره ۸